

کارنامه

پارادایم نوین توسعه، الگوهای رقابت پذیری و توسعه صنعتی در جهان

دکتر کورس صدیقی

عضو شورای مشاوران سازمان مدیریت و برنامه ریزی

اشاره...

تجربیات موفق کشورهای نوظهور صنعتی طی سه دهه گذشته به وضوح نشان داده است که جریان توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرآیند نزدیک شدن به موقعیت کشورهای پیشرفته و برتر صنعتی در تمامی وجوه آن ناگزیر در گرو حرکت توسعه صنعتی و گسترش صادرات و به ویژه صادرات کالاهای صنعتی است. این تجربیات هم چنین حکایت از آن دارد که اولاً الگوی واحدی برای توسعه به مفهوم انباشت ظرفیت‌های فیزیکی و فناوری و ارتقای توانمندی‌های اجتماعی وجود نداشته و متناسب با مختصات زمانی برای جریان صنعتی شدن الگوهای متفاوتی مطرح و به کار گرفته شده است. ثانیاً در حرکت جهانی صنعتی شدن همراه با تحولات فناوری و پیشرفت‌های فنی، در هر دوره فرصت‌های تازه‌ای در اختیار همه کشورها قرار می‌گیرد که هرگاه با نهادهای مناسب شرایط انطباق با این فرصت‌ها فراهم گردد، برای کشورهای در حال توسعه دریچه‌های جدیدی برای رشد سریع، تغییر موقعیت و کاستن از فاصله با کشورهای پیشرفته صنعتی گشوده می‌شود و هر کشوری که بتواند در زمان مناسب و با سرعت بیشتر خود را با تحولات و رخدادها، منطبق و هماهنگ سازد خواهد توانست که از فرصت‌های پیش‌آمده به گونه‌ای موثرتر برای

تسهیل و تسریع جریان پیشرفت و توسعه بهره‌مند گردد. ثالثاً از مجموعه شرایط فنی و فناوری هر دوران و ساختار و پیکر بندیه‌های اقتصادی - سازمانی و نهادهای و رویکردهای سیاستی غالب و هماهنگ با آن مدلی برای پیشرفت شکل می‌گیرد که می‌توان آن را به تعبیری، **پارادایم فنی - اقتصادی و دیدمان توسعه** آن دوران قلمداد کرد.

بنابراین پارادایم توسعه در هر دوره ای عامل شکل دهنده و مشروط کننده فرصت‌های آن دوره محسوب می‌شود. از آنجایی که هر انقلاب فناوری زمینه‌ساز تغییری متناظر در پارادایم توسعه است، شناخت ویژگی‌های دیدمان‌های مسلط در هر دوره ای شرط اصلی برای بازسازی و نوسازی، سازماندهی مجدد و پذیرش و انطباق با تغییرات فنی و انجام نهادهای و اتخاذ رویکردها و سیاست‌های متناسب با آن به شمار می‌رود.

تحول پارادایم توسعه طی دوران پس از جنگ جهانی دوم همراه با پیشرفت‌های فنی در کشورهای پیشرفته صنعتی و ضرورت‌های اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه از دو مرحله مهم گذر کرده و اکنون به **پارادایم جدید شبکه‌های انعطاف پذیر** در عصر اطلاعات وارد شده است. استراتژی‌های تجاری - صنعتی راهبر جریان توسعه در کشورهای

در حال توسعه در مراحل اول و دوم برویکردهای "جایگزینی واردات" بانقش غالب دولت و اتخاذ رهیافت‌های درونگرا و تحول آن به سیاست " توسعه صادرات" با هدایت و همکاری دولت و ایفای نقش غالب توسط بخش خصوصی و با ماهیتی برونگرا اتکا داشته است. در عصر کنونی پارادایم توسعه بر محورهایی چون آزادسازی اقتصادی، مشارکت بازار و دولت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای ظرفیت‌های فناوری و نوآوری، رشد پیوسته مهارت‌ها، تمرکززدایی، ورود در شبکه‌ها و زنجیره‌های فنی، تولیدی و تجاری بین‌المللی، تغییر نقش دولت از کارگزار و بازیگر اصلی توسعه به عامل راهبردی ایجاد شرایط مناسب برای ارتقا رقابت پذیری ملی در عرصه بازار جهانی و تسهیل کننده جریان ارتباط بنگاه‌ها و نهادهای فراملی و پیوند آن با بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی استوار شده است.

دیدمان‌های نوین توسعه تجاری - صنعتی در جهان

صنعت و تجارت جهان در دو دهه آخر قرن بیستم شاهد ظهور دیدمانی تازه در عرصه فناوری و شکل‌گیری یک نظام فنی - اقتصادی متفاوت با دوره‌های پیشین بوده است. در این دیدمان، فناوری‌های جدید با شیوه‌های مدیریتی و سازماندهی‌های نوین صنعتی توأم

تبعات مهم شکل‌گیری تولید بین‌المللی و سازماندهی جدید، ظهور برتری‌های رقابتی براساس کارایی و بهره‌وری سیستمیک (و نه انفرادی) در قالب منظومه‌های بنگاه‌های است. تقویت نقش پذیرنده صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های صنعتی و اتصال آنها به مجتمع‌ها و صنایع بزرگ در زنجیره‌های تولید و تجارت جهانی نیز از نتایج همین آرایش‌های جدید صنعتی به شمار می‌رود

ویژگی‌های زنجیره‌های ارزش جهانی		
ویژگی‌ها	زنجیره‌های با رانش تولیدکننده	زنجیره‌های با رانش خریدار
پیش‌رانه زنجیره‌های ارزش	سرمایه صنعتی	سرمایه تجاری
فعالیت اصلی	تحقیق و توسعه، تولید	طراحی، بازاریابی
بخش‌های کالایی	کالاهای مصرفی، کالاهای واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای	کالاهای مصرفی با دوام
رشته‌های صنعتی نمونه	خودرو، رایانه، هواپیما	پوشاک، کفش، اسباب بازی
مالکیت	شرکت‌های فراملیتی	بنگاه‌های داخلی (به عمده در کشورهای درحال توسعه)
پیوندهای اصلی در شبکه	سرمایه‌گذاری	تجارت
Source: Gereffi (۱۹۹۹)		

در زمینه دیدمان و راهبردهای نوین توسعه صنعتی:

در استراتژی‌های نوین توسعه صنعتی ایده‌های خودکفایی، خود اتکایی، درون‌نگری، جایگزینی واردات و ... با راهبردهای برون‌نگر معطوف به ادغام و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی

مدیریت فرآیند، بازاریابی، فروش، تبلیغات و ... اهمیت روز افزون در رقابت صنعتی پیدا کرده است. مزیت‌های ناشی از فراهمی منابع طبیعی در الگوی رقابتی جدید جای خود را به امتیازات و برتری‌های ناشی از دانش و فناوری داده است. بدین ترتیب در فضای نوین اقتصاد جهانی با شکل‌گیری رقابت شدید و گسترده در بازار محصولات صنعتی، نوآوری، یادگیری، انعطاف‌پذیری، کیفیت محصول و همچنین تولید محصولات نو و فرآیندها و خدمات جدید در تحقق رقابت پذیری، جایگاه ویژه‌ای یافته است و صنایع دانش‌بر و صنایع با محتوای فناوری متوسط و برتر به حوزه‌های پیش‌تاز صنعتی تبدیل شده است.

در زمینه ظهور ساختارهای جدید سازماندهی تولید:

در سازماندهی‌های نوین صنعتی - تجاری آرایش‌های سلسله‌مراتبی جای خود را به شکل‌گیری شبکه‌های درهم آمیخته تولیدی - تکنولوژیک داده است. خوشه‌های صنعتی، نواحی صنعتی، ائتلافها و پیمان‌های استراتژیک، ترتیبات پیمانکاری‌های صنعتی بلند مدت با عرضه کنندگان مواد، کالاهای واسطه‌ای، قطعات و ... از مصادیق این نوع سازماندهی است.

انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان تفکیک مراحل تولید صنعتی و شکل‌گیری نظام‌ها و شبکه‌های تولید بین‌المللی را با مدیریت شرکت‌های فراملیتی فراهم آورده است. این مطلب فرصت‌های جدیدی را برای صنعتی شدن کشورهای درحال توسعه متناسب با امتیازات و برتری‌هایشان در قالب زنجیره‌های ارزش جهانی ایجاد کرده است.

در همین حال مشارکت بنگاه‌های صنعتی داخلی و خارجی برای در اختیار گرفتن فنون و دانش‌های لازم برای توسعه صنعتی، شرایط جدیدی را برای ارتقای فناوری و تحقق عملکردهای رقابتی مهیا ساخته است. از جمله

گردیده و به پیدایی اشکال گوناگونی از پیوندهای درون بنگاهی و بین بنگاهی در سطح بین‌المللی منجر شده است. نقش دانش و دانایی در فرآیندهای تولیدی - صنعتی بسیار اهمیت یافته است و جریان مبادله اطلاعات بین کارگزاران و فعالان در حوزه‌های اقتصاد و صنعت گسترش چشمگیری پیدا کرده است. تغییرات فناوری موجب گردیده است که روابط اقتصادی بین‌المللی دگرگون شود و با تحولاتی که در زمینه جریان‌های سرمایه، تکنولوژی، نیروی انسانی و تولید و همچنین مالکیت اطلاعات و حقوق دارایی‌ها رخ داده، الگوهای جدیدی از مزیت‌های نسبی در زمینه تولید و تجارت کالاهای صنعتی پدیدار شده است. اگرچه کانون اصلی پویای فناوری و دگرگونی‌ها در جهان صنعتی متمرکز بوده و هست، اما کشورهای درحال توسعه به طور عام و ایران به طور خاص نیز ناگزیر در معرض این تحولات در مناسبات اقتصادی - صنعتی جدید قرار خواهند گرفت و تنها در صورت انطباق با این شرایط و زمینه‌سازی برای جایگیری مناسب در نظام نوین تقسیم کار و همچنین ورود در شبکه‌ها و زنجیره‌های ارزش بین‌المللی است که می‌توانند جریان توسعه صنعتی خود را به پیش برده و از فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری گسترده‌ای که در عرصه اقتصاد جهانی ایجاد شده است، بهره‌مند گردند. مهمترین گرایش‌ها و ویژگی‌های توسعه صنعتی جهان ناشی از تحولات ایجاد شده در فضای نوین فنی - اقتصادی را می‌توان چنین برشمرد:

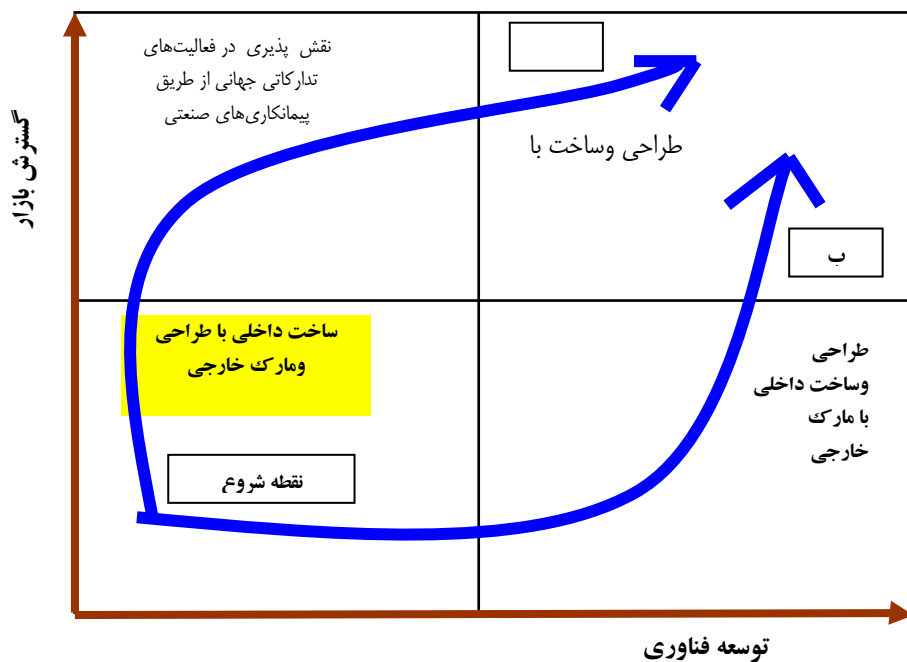
در زمینه تغییرات و پیشرفت فنی و رقابت پذیری:

در فرآیندهای نوین تولید صنعتی، بر سهم اطلاعات، دانش و خدمات افزوده شده است و سهم مواد و نیروی کار کم مهارت در تولید بنگاه‌های صنعتی رقابت پذیر تقلیل پیدا کرده است. صنایع کلاسیک با تولید همانند بازاریابی مجدد شده، مواد جدید و پیشرفته جای مواد سنتی را گرفته و تنوع محصول، طراحی،

ابتدا مدنظر قرار گرفت. در فرآیند توسعه صنعتی و رشد صادرات این کشورها صرف نظر از استراتژی غالب و مشترک برون گرایی، الگوهای متفاوتی (متناسب با شرایط جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی، امکانات گسترش ظرفیت‌های فنی، جمعیت و اندازه بازار و ...).

• افزایش آهنگ احاطه به فناوری‌های پیچیده و امکانات سهل‌تر برای استفاده از آن در تولید محصولات صنعتی (تیلور دانش در تجهیزات و ابزارها و نرم افزارهای صنعتی و کاسته شدن از وزن عامل تجربه و مهارت در انتقال فناوری)

مسیرهای توسعه فناوری و گسترش بازار



و نیز جایگیری مناسب در مجموعه‌ها و شبکه‌های تولیدی-تجاری بین‌المللی جایگزین گردیده و به کارگیری سیاست‌های فعال در جهت بهره‌برداری از مزیت‌های مکانی متناسب با الزامات الگوی جدید رقابت به منزله عنصر مهمی در راهبردهای صنعتی مطرح شده است.

در انطباق با رژیم‌های نوین تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان، رویکردهای سیاست‌گذاری صنعتی نیز دستخوش تغییر شده و سیاست‌های تبعیضی-گزینشی جای خود را به سیاست‌های کارکردی مبتنی بر ایجاد فضای مناسب و ارتقای توانمندی‌های صنعتی داده است. در این راهبردها اگرچه ظرفیت‌سازی هنوز عامل مهم رشد و توسعه صنعتی محسوب می‌شود، اما به واسطه الزامات رقابت پذیری، مطلب ارتقای قابلیت‌های رقابتی صنایع برای نفوذ در بازارها و شبکه‌های بین‌المللی از اولویت بالایی برخوردار شده است. به کارگیری ضوابط رشد و توسعه پایدار و ملاحظات زیست محیطی و همچنین تکیه بر پیمان‌های منطقه‌ای به منزله عامل مهمی در توسعه صنعتی کشورها در هدف‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی مورد تاکید قرار گرفته است.

از نظر میزان دخالت‌های مستقیم دولت در توسعه صنعتی، درجه باز بودن به روی واردات و سرمایه‌گذاری خارجی و نیز نوع سازماندهی بنگاهی (کوچک، متوسط و بزرگ) به کارگرفته شد که بر این اساس می‌توان چهارگروه متمایز را به شرح زیر مطرح ساخت:

۱. الگوی رقابت پذیری مستقل

با مشخصه‌هایی چون توسعه توانمندی‌های بنگاه‌های داخلی، شروع از فعالیت‌های ساده و تعمیق سریع جریان صنعتی، کاربرد گسترده سیاست‌های صنعتی در حوزه‌های تجارت، تامین مالی، آموزش، فناوری و انتخاب و اولویت‌گذاری در ساختارهای صنعتی،

الگوهای رقابت پذیری صنعتی - تجاری

کشورهای نوظهور صنعتی و موفق در توسعه صادرات کالاهای صنعتی عموماً کشورهایی را دربرمی‌گیرد که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد با رویکرد برون‌گرا و معطوف به صادرات، حرکت‌های توسعه صنعتی - تجاری خود را با هدف نفوذ در بازارهای خارجی - که عمدتاً در اختیار کشورهای پیشرفته صنعتی بود - تنظیم و به اجرا گذاشتند. اگرچه مرحله اول این حرکت را همان سیاست عمومی جایگزینی واردات تشکیل می‌داد، اما توجه به بازارهای خارجی با کاستن از میزان حمایت‌های تجاری و کوشش در جهت ایجاد واحدهای کوچک و بزرگ تولیدی با تاکید بر توسعه صادرات و افزایش رقابت پذیری در بازارهای هدف نیز از

در زمینه انتقال فناوری:

در تحولات دو دهه اخیر در فضای صنعتی جهان مساله انتقال فناوری - به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه - از سرعت و سهولت بیشتری برخوردار شده است. علل این دگرگونی را می‌توان در مواردی به شرح زیر خلاصه کرد:

- اشاعه و گسترش فناوری انفورماتیک و ارتباطات و دسترسی سهل‌تر به اطلاعات صنعتی
- وجود رقابت شدید در بازارهای بین‌المللی و افزایش شمار عرضه‌کنندگان تکنولوژی
- اتکالی بیشتر فناوری به پایه‌های علمی - به جای تجربی، مهارتی - و افزایش سرعت توسعه تکنولوژی
- افزایش گزینه‌های انتخاب فناوری به واسطه کثرت تکنولوژی‌های در دسترس

کاربرد محدودیت‌های گزینشی و تبعیضی در زمینه سرمایه‌گذاری مسقیم خارجی همراه با اتخاذ رویکردهای تشویقی و غیرانفعالی در مورد واردات تکنولوژی و ... در قالب رژیم تجاری معطوف به صادرات و با تکیه بر ارج نهادن و پاداش دادن به عملکردهای مثبت صادراتی و تقویت مستمر بنگاه‌هایی که در این مسیر حرکت فعال داشتند. مثال مشخص این الگو کشورهای کره و تایوان هستند که در کره میزان دخالت‌های مسقیم دولت به مراتب بیشتر از تایوان بوده و سازماندهی بنگاهی نیز در کره از نوع بنگاه‌های بزرگ داخلی و در تایوان از نوع بنگاه‌های کوچک داخلی بوده است. اتکای این دو کشور در قیاس با دیگر کشورهای موفق در حوزه صادرات - به طور نسبی - به سرمایه‌گذاری خارجی کمتر بوده است.

۲. الگوی رقابت پذیری وابستگی

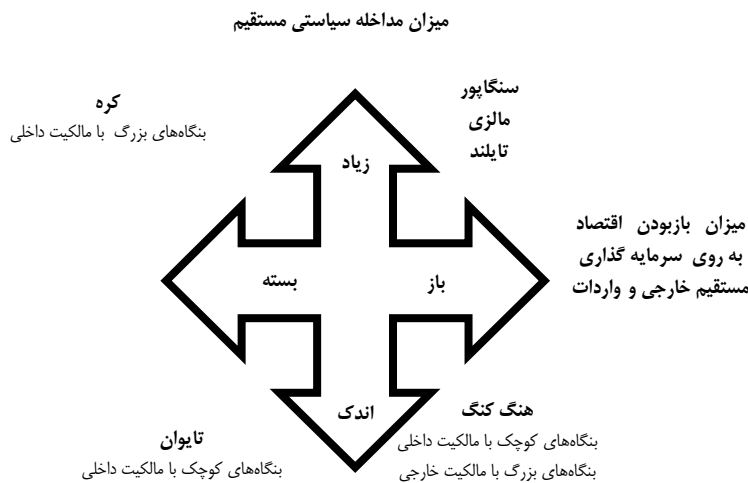
راهبردی به سرمایه‌گذاری خارجی
با مشخصه‌هایی چون پیوستن به شبکه‌های جهانی شرکت‌های فراملیتی، کوشش برای ارتقا فعالیت‌های این بنگاه‌ها با اتخاذ سیاست اولویت‌گذاری‌های استراتژیک، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا و ایجاد زمینه مناسب برای شرکت‌های وابسته خارجی در جهت ارتقا تکنولوژی و کارکردهای صنعتی - تجاری از طریق دخالت‌های گسترده در بازار عوامل تولید از جمله گسترش مهارت‌ها، نهادسازی، توسعه زیر بناها، حمایت از شبکه عرضه مواد و کالاها، تشویق نهادهای تحقیق و توسعه و پیشرفت فناوری و در مجموع اتکای به شیوه جلب و جذب، هدفمند کردن و هدایت سرمایه‌گذاری خارجی در راستای توسعه صادرات. مثال این مورد کشور سنگاپور

است که در آن درجه و میزان دخالت مستقیم دولت و همزمان باز بودن بازار به روی واردات و سرمایه خارجی، از دیگر کشورهای مشابه بیشتر بوده است.

۳. الگوی وابستگی انفعالی به سرمایه‌گذاری خارجی

با مشخصه‌هایی چون پیوند با شرکت‌ها و سرمایه‌های خارجی به منزله پیش‌رانه اصلی توسعه صنعتی - تجاری، اتکا گسترده به نیروهای بازار به منزله عامل ارتقا ساختار اقتصادی - صنعتی و رشد توانمندی‌های فنی همراه با افزایش دستمزدها. ابزارهای اصلی این الگو ایجاد محیط و رژیم مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد انگیزه‌های قوی برای صادرات، تقویت زیر بناهای صادراتی، تامین نیروی کار ارزان و آموزش پذیر و نظایر آن بوده است. تفاوت این الگو با الگوی پیشین، همانا تاکید کمتر آن به مطلب ارتقا مهارت‌ها و توانمندی‌های فناوری داخلی و انفکاک و جدایی بخش صنعتی داخلی از بخش صادراتی با نقش غالب شرکت‌های بین‌المللی بوده است. نمونه‌های مشخص این الگو کشورهای مالزی،

رویکردهای سیاسی و ساختارهای صنعتی در کشورهای منتخب



اندونزی، تایلند و فیلیپین وهم چنین مناطق ویژه اقتصادی چین و حوزه‌های تجاری و مناطق آزاد مکزیکی هستند. هنگ کنگ را نیز با توسع می‌توان در شمار به کار گیرندگان این انگاره قرارداد که میزان اندک دخالت مستقیم دولت، باز بودن کامل بازار به روی واردات و سرمایه‌گذاری خارجی و ترکیبی از شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک داخلی و شرکت‌های بزرگ خارجی با ساختار صنعتی متفاوت از یکدیگر، همخوانی نزدیک با این الگو دارد.

۴. الگوی باز آرایی صنایع جایگزین واردات

که مهمترین مشخصه آن تکیه بر رشد صادرات از طریق توانمندی‌های رقابتی ایجاد شده در صنایع جایگزین واردات (که در گذشته احداث شده بودند) است. ابزار اصلی سیاستی در این زمینه، آزادسازی تجاری و انگیزه‌های قوی صادراتی و در مورد پاره‌ای از کشورهای آمریکای لاتین که در این الگو قرار

جغرافیایی این دگرگونی‌ها پاره ای گرایش‌های مهم از دیدگاه رقابت پذیری مطرح می شود که مهمترین آن عبارتند از:

- رشد صادرات عموماً با ارتقا فناوری و حرکت به سوی تولید و صدور محصولات پیچیده تر و با شدت فناوری بیشتر و همچنین افزایش کیفیت و کارآمدی فعالیت‌های صادراتی موجود همراه بوده است. گذشته از این گزینش جایگاه‌های مناسب تولید متضمن انتقال از بخش‌های با رشد کند به بخش‌های پویا و بالنده از عناصر اصلی استراتژی رقابت پذیری کشورها بوده است. اکثر صادرکنندگان موفق در گروه کشورهای درحال توسعه فرآیند گسترش و تعمیق صنعتی شدن و توسعه صادرات شان را از محصولات کارکردهای ساده آغاز کرده و به تدریج و طی زمان اما به گونه ای پیوسته (همراه با ارتقا کیفیت محصولات صادراتی که تولید می‌کرده‌اند) به سوی تولید و صدور محصولات و عهده دارشدن کارکردها و فعالیت‌های با محتوای فناوری بالاتر حرکت کرده اند.
- عملکردهای برتر بدون گسترش و تعمیق توانمندی‌های صنعتی در داخل، خطر ناپایداری را در فرآیندهای توسعه صنعتی به همراه دارد و بدون توسعه عناصر ساختاری موثر بر عملکردهای صنعتی، به کارگیری این الگو، اقتصادهای موردنظر را در بلند مدت در معرض آسیب پذیری ناشی از فرسایش رقابت پذیری (در شرایط افزایش دستمزدها و تغییرات فناوری) قرار می دهد. و سرانجام عملکردهای صنعتی پایین تر از حد توانایی های صنعتی عموماً معلول فضای نهادی و مقرراتی نامناسب و بی ثباتی اقتصادی بوده است.
- اتصال به شبکه های تولیدی - تجاری - تکنولوژیک بین المللی از عوامل مهم ارتقا توانمندی‌ها و رشد رقابت پذیری صنعتی

علاقه به بازار و آزادی اقتصادی در چین و گرایش‌های آزادسازی اقتصادی در هند زمینه های ادغام این کشورها (با حدود نیمی از جمعیت کره ارض) در اقتصاد جهانی فراهم شده است. در همین حال تحول در ساختار تولید جهانی، که در شکل گیری آن فناوری‌های جدید، تغییر در الگوهای تقاضا و عوامل لوژیستیکی، شیوه های تازه سازماندهی، رقابت شدید در سطح جهانی و ضرورت مکان‌یابی مناسب برای استقرار فعالیت‌های تولیدی و همچنین اتخاذ رویکردهای نهادی - سیاستی و قواعد و ترتیبات جدید بین المللی دخالت داشته، موجبات دگرگونی عمیقی را در الگوهای تجارت کالایی و انگاره های رقابت پذیری فراهم آورده است.

رشد ارزش افزوده و صادرات صنعتی در جهان برحسب شدت فناوری ۲۰۰۰-۱۹۸۰ (نرخ رشد متوسط سالانه - درصد)			
فعالیت	جهان	کشورهای پیشرفته صنعتی	کشورهای درحال توسعه
ارزش افزوده صنعتی			
کل ارزش افزوده صنعتی	۲/۶	۲/۳	۵/۴
ارزش افزوده صنعتی بسته به منابع طبیعی	۲/۳	۱/۸	۴/۵
ارزش افزوده صنعتی - فناوری پایین	۱/۷	۱/۴	۳/۵
ارزش افزوده صنعتی - فناوری متوسط و برتر	۳/۱	۲/۶	۶/۸
صادرات صنعتی			
کل صادرات صنعتی	۷/۶	۶/۶	۱۲/۰
صادرات صنعتی بسته به منابع طبیعی	۵/۶	۵/۲	۶/۷
صادرات صنعتی - فناوری پایین	۷/۴	۸/۴	۱۱/۴
صادرات صنعتی - فناوری متوسط و برتر	۸/۴	۷/۳	۱۶/۵
صادرات صنعتی - فناوری برتر	۱۱/۵	۹/۹	۲۰/۲

Source: Calculated from UNIDO and Comtrade data

از بررسی تحولات ساختاری که در ترکیب تجارت جهان رخ داده و همچنین با بررسی روند تغییرات گروه‌های کالایی که برحسب شدت فناوری طبقه بندی شده است و پیکربندی

می‌گیرند، استفاده از امتیازات موافقتنامه‌های تجاری منطقه ای بوده است. اعمال این سیاست‌ها سبب ارتقا، نوسازی، بازآرایی و توسعه این صنایع و شبکه های تامین کننده مواد و کالاهای مورد نیاز آنها شده است. در پاره ای از کشورها، عوامل اصلی پیشرفت، بنگاه‌های داخلی و در پاره ای دیگر شرکت‌های فراملیتی بوده است و تفاوت این الگو با " الگوی رقابت پذیری مستقل " همانا فقدان سیاست صنعتی روشن و هماهنگ برای توسعه رقابت پذیری صادراتی و هم چنین پشتیبانی بدون طرح و برنامه (غیر سیستماتیک) و غالباً ضعیف تر در زمینه توسعه مهارت‌ها و فناوری و ایجاد زیر بناها و نهادهای مناسب بوده است. چین و هند در آسیا و برزیل و آرژانتین در آمریکای جنوبی از نمونه های بارز این الگو محسوب می‌شوند.

باید یادآور شد که به کارگیری این الگوها برای طبقه بندی کشورهای مختلف صرفاً درون مرزهای تعریف شده مشخص قرار نمی گیرد و در جریان پویایی صنعتی و تغییرات تکنولوژیک و رویکردهای جدید صنعتی بسیاری از کشورها ویژگی‌های ترکیبی الگوها را پیدا کرده و حرکت آنها نیز به سوی انگاره های واحدی که ویژگی اصلی آن پیوند با شبکه های ارزش جهانی است معطوف شده است.

در مجموع، توسعه صنعتی سال‌های بعد از جنگ در کشورهای درحال توسعه و ورود تدریجی کشورهای نوظاسته صنعتی به جرگه کشورهای پیشرفته زمینه های گسترش بازار، شمار عرضه کنندگان کالاها و خدمات و رقابتی شدید را در عرصه اقتصاد جهان فراهم آورده است. درعین حال با پایان جنگ سرد و دگرگونی‌های رژیم‌های سیاسی در اروپای شرقی و مرکزی که اکنون در پی استقرار اقتصادهای مبتنی بر بازارند و همچنین ابراز

نقش شرکت‌های وابسته به نگاه‌های فراملیتی در صادرات شش کشور منتخب

اقتصاد (سال)	کل صادرات سال ۲۰۰۰ میلادی (میلیارد دلار)	سهام شرکت‌های وابسته خارجی در کل صادرات	سه شرکت صادرکننده اول فراملیتی	صادرات سه شرکت اول سال ۲۰۰۰ میلادی (میلیارد دلار)
چین (۲۰۰۱)	۲۷۹/۶	۵۰	سامسونگ الکترونیکس آی بی ام نوکیا	۱/۵ ۱/۵ ۱/۱
مکزیک (۲۰۰۰)	۱۸۰/۴	۳۱	آی بی ام دایملر کرایسلر جنرال موتورز	۹/۶ ۶/۹ ۶/۷
مجارستان (۱۹۹۹)	۲۵/۵	۸۰	فولکس واگن آی بی ام فیلیپس الکترونیکس	۳/۲ ۲/۲ ۲/۰
جمهوری کره (۱۹۹۹)	۱۵۰/۴	۱۵	امکور تکنولوژی نوکیا چیپ پک	۴/۷ ۲/۴ ۲/۴
ایرلند (۱۹۹۸)	۵۲/۵ الف	۹۰ ب	اینتل دل کامپیوتر مایکروسافت	۴/۸ ۴/۳ ۲/۴
کاستاریکا (۲۰۰۰)	۶/۷	۵۰	اینتل دل فود دل مونته	۱/۷ ۰/۲ ۰/۱

SOURCE : UNCTAD, World Investment Report, ۲۰۰۲.

الف : رقم فقط دربرگیرنده صادرات کالاهای صنعتی است. رقم کل صادرات ایرلند در این سال ۶۴/۶ میلیارد دلار بوده است.
ب : سهم در صادرات کالاهای صنعتی.

محسوب می‌شود. در همین حال شرکت‌های فراملیتی نقش و سهم عمده ای را در عملکرد صادراتی کشورهای صادرکننده برتر در جهان به ویژه در حوزه صدور کالاهای پویا و بالنده در تجارت جهانی عهده دار بوده اند و این نقش در سال‌های اخیر گسترش یافته است. سهم نگاه‌های خارجی وابسته به شرکت‌های فراملیتی در صادرات صنعتی چین ۴۴ درصد (سال ۲۰۰۱)، در مالزی ۴۹ درصد (سال ۱۹۹۵)، در جمهوری کره ۱۵ درصد (سال ۱۹۹۹)، در تایوان ۱۷ درصد (سال ۱۹۹۴)، در سنگاپور ۳۸ درصد (سال ۱۹۹۹) در مجارستان ۸۶ درصد (سال ۱۹۹۹) و در مکزیک ۳۱ درصد (سال ۲۰۰۰) و در ایرلند ۹۰ درصد (سال ۱۹۹۹) بوده است.

اهمیت رقابت پذیری و نفوذ در بازارهای جهانی به ویژه از آن باب است که رشد تقاضای (حقیقی) داخلی و اتصال به تقاضای بین المللی دو عامل تاثیر گذار در تحول صنعتی بلند مدت کشورها به شمار می رود. در عین حال موفقیت در زمینه ورود به بخش‌هایی از تولید صنعتی که از دیدگاه تقاضای جهانی و رشد آن دارای پتانسیل‌های قابل ملاحظه اند و همچنین رشته‌ها و گروه‌های کالایی که دارای ارزش افزوده بالا و رشد بهره وری سریع اند، به طور طبیعی امکانات گسترده تری را برای استفاده از بازده صعودی و بازارهای وسیع فراهم می آورد. با ملاحظه این مطلب جایگیری مناسب در نظام جدید تقسیم کار بین المللی و ورود به حوزه‌های برتر تولید و تجارت کالاهای صنعتی ناگزیر از الزامات مهم توسعه و رقابت پذیری صنعتی به شمار می آید.

گروه بندی عملکردهای صنعتی - تجاری در کشورهای نخواست

در فرآیند رشد اقتصادی و توسعه صنعتی - تجاری از آغاز انقلاب صنعتی قرن هجدهم تا

امروز و به ویژه طی نیم قرن اخیر جریان انباشت سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، پیشرفت‌های فنی و رشد بهره وری، گسترش بازارهای داخلی و خارجی همواره نقشی مهم و اساسی داشته است. براساس بررسی‌هایی که در زمینه روند رشد و توسعه صنعتی، انباشت سرمایه، تجارت و تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه در آسیا و آمریکای جنوبی در دهه آخر قرن بیستم انجام شده است مجموعه این کشورها را می توان در پنج گروه به شرح زیر طبقه بندی کرد:

● گروه نخست شامل کشورهای نخواست صنعتی پیشگام در شرق آسیا و به ویژه دو کشور کره و تایوان است که از دیدگاه انباشت سریع سرمایه، رشد اشتغال، بهره‌وری و تولید و صادرات صنعتی به درجات چشمگیری از توسعه و بلوغ صنعتی دست یافته اند. سهم تولید صنعتی در تولید ناخالص داخلی این دو کشور فراتر از ارقام متناظر در کشورهای پیشرفته صنعتی است. دلیل این وضعیت ورود کشورهای پیشرفته

صنعتی به مرحله فراصنعتی و سهم غالب بخش خدمات در تولید ملی آنها است. گروه کشورهای نخواست صنعتی پیشگام نیز در شرایط کنونی به تدریج در مسیری قرار گرفته اند که آهنگ گسترش ظرفیت‌ها و تولید صنعتی آنها در مقایسه با دهه‌های پیشین کاستی گرفته و احتمالاً تا یکی دو دهه آینده به وضعیتی مشابه کشورهای پیشرفته نزدیک خواهند شد.

● گروه دوم شامل کشورهایی است که جریان صنعتی شدن در آنها به سرعت در حال گسترش و تعمیق است و سهم اشتغال، تولید و صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی این کشورها روندی رو به افزایش دارد و همزمان گرایش توسعه صنعتی آنها از محصولات متکی به منابع طبیعی و کارطلب به محصولات با فناوری متوسط و برتر در حال تغییر و تحول است. مالزی و تایوان از نمونه‌های پویا و برجسته این گروه محسوب می شوند. چین و

تأحدود کمتری هند نیز در زمره همین گروه از کشورها با ویژگی "رشد صنعتی شتابان" قرار می‌گیرند.

● گروه سوم شامل کشورهای است که وجه غالب گرایش صنعتی شدن آنها گذار از وابستگی به صادرات کالاهای نخستین از مسیرادغام سریع در شبکه های تولید بین‌المللی در حوزه های صنعتی مونتاژ و کارطلب است. ویژگی ممتاز این گروه از کشورها افزایش سریع سهم اشتغال و صادرات صنعتی است، لیکن عملکرد این کشورها از دیدگاه سرمایه گذاری، افزایش ارزش افزوده صنعتی ورشدبهره وری وهم چنین رشد اقتصادی در مجموع ضعیف تر از گروه‌های پیش گفته است. مکزیک وفیلیپین نمونه های بارز این گروه از کشورها هستند.

● گروه چهارم شامل کشورهای است که به سطح مشخصی از توسعه صنعتی دست یافته اند اما از دیدگاه حفظ آهنگ گسترش و تعمیق فرآیند صنعتی شدن نتوانسته اند به پویایی وسرعت اولیه توسعه ادامه دهند و در نتیجه از لحاظ عملکرد سرمایه گذاری، سهم اشتغال وارزش افزوده صنعتی با افت نسبی رو به رو شده اند. رشد بهره وری در این کشورها حالت نوسانی داشته وافزایش آن در مقاطع زمانی مشخص بیشتر ناشی از تغییر در شمار نیروی کار شاغل (و نه انباشت سرمایه و پیشرفت فنی) بوده است. در این کشورها ارتقا توانمندی‌های صنعتی محدود مانده وصادرات کالاهای ساخته شده آنها هم چنان درحوزه تولید محصولات متکی به فرآورده های نخستین با ارزش افزوده پایین ادامه یافته است. این کشورها هم چنین در برخی از رشته های صنعتی مانند هوا - فضا، تولید خودرو و تجهیزات حمل و نقل سنگین به پیشرفتهایی دست یافته اند، لیکن این

نماگرهای تولید و تجارت در چند کشور منتخب (ارقام به درصد)						
کشور/ اقتصاد	نسبت ارزش افزوده صنعتی به تولید ناخالص داخلی			نسبت صادرات صنعتی به مجموع صادرات کالاها وخدمات		
	۱۹۶۰-۱۹۶۹	۱۹۷۰-۱۹۷۹	۱۹۸۰-۱۹۸۹	۱۹۹۰-۲۰۰۰	۱۹۸۰-۱۹۸۹	۱۹۹۰-۲۰۰۰
آرژانتین	۳۸/۶	۳۵/۳	۳۹/۳	۲۰/۳	۲۵/۹	۲۶/۴
برزیل	۲۸/۲	۳۰/۰	۳۲/۶	۲۳/۷	۴۴/۲	۴۶/۸
تسلی	۲۳/۸	۲۴/۲	۱۹/۷	۱۸/۰	۶/۶	۱۰/۶
چین	۲۹/۰	۳۷/۳	۳۵/۸	۳۴/۰	۶۷/۵	۷۸/۰
مصر	۰۰	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۷/۸	۷/۸	۱۰/۰
هند	۱۳/۶	۱۵/۳	۱۶/۴	۱۶/۴	۱۶/۲	۵۵/۴
اندونزی	۹/۰	۱۰/۴	۱۵/۱	۲۲/۸	۲۹/۶	۴۵/۱
مالزی	۹/۵	۱۶/۸	۲۰/۳	۲۷/۳	۲۷/۷	۶۳/۰
مکزیک	۲۰/۱	۲۲/۷	۲۲/۲	۲۰/۶	۲۹/۳	۶۲/۳
پاکستان	۱۴/۳	۱۵/۹	۱۶/۰	۱۶/۶	۵۳/۳	۷۳/۴
فیلیپین	۲۰/۴	۲۵/۷	۲۵/۰	۲۳/۲	۱۸/۱	۴۷/۷
کره جنوبی	۱۶/۵	۲۵/۰	۲۹/۸	۲۹/۵	۸۱/۶	۷۷/۵
تایوان	۱۶/۷	۲۸/۴	۳۴/۴	۲۸/۹	۸۱/۸	۸۱/۹
تایلند	۱۴/۲	۱۹/۰	۲۳/۵	۲۸/۸	۳۰/۶	۵۶/۷
ترکیه	۱۲/۷	۱۳/۴	۱۸/۷	۱۸/۳	۴۵/۲	۴۴/۹
ونزوئلا	۱۵/۴	۱۶/۱	۱۹/۵	۱۷/۴	۵/۴	۱۱/۰

Source: UN/DESA, Commodity Trade Statistics database; World Bank, World Development Indicators, ۲۰۰۲; and Thomson Financial DataStream.

پیشرفت‌ها در حدی نبوده است که بتواند به یک عامل محرک پویا در بخش صنعت آنها تبدیل شود. برزیل و آرژانتین دو کشور نمونه از این گروه کشورهای در حال توسعه صنعتی محسوب می‌شوند. برخی از کشورهای خاورمیانه و آفریقایی نیز از لحاظ کندبودن جریان پیشرفت صنعتی وتغییرات ساختاری در این گروه قراردارند، اگرچه سطح توسعه صنعتی آنها به مراتب وبسیار پایین تر از کشورهای یاد شده است.

● گروه پنجم شامل کشورهای است که از طریق بهره برداری از منابع غنی طبیعی خود و هم چنین آهنگ سریع سرمایه‌گذاری وانباشت سرمایه توانسته اند به یک جریان مداوم رشد اقتصادی دست یابند، اما عملکرد صنعتی آنهاهم از لحاظ ارزش افزوده صنعتی وهم از لحاظ صادرات صنعتی، ضعیف بوده و چشم انداز تغییرات

ساختاری و رشد بهره وری در آنها محدود می‌نماید. شیلی نماینده بارز توسعه صنعتی در این گروه به شمار می‌رود.

باید یادآور شد که با ملاحظه عوامل چندگانه ای که در این طبقه بندی مدنظر قرار گرفته است، کشورهای که در یک گروه خاص رده بندی شده اندگاهی همزمان پاره ای از خصالت‌ها و ویژگی‌های یک یا چند گروه دیگر را نیز دربردارند. در گروه کشورهای با رشد شتابان صنعتی، دوکشورچین ومالزی، عملکردهای صنعتی شان با ورود در شبکه های تولید بین المللی به گونه ای متحول شده است که در آن صادرات صنعتی با سرعتی به مراتب بیشتر از ارزش افزوده صنعتی افزایش یافته و ازاین لحاظ وضعیت آنها با کشور مکزیک مشابهت دارد. از همین روی رشد بهره وری در بخش صنعت آنها سریع تر بوده و در نتیجه

سهام ارزش افزوده در تولید ملی شان یا ثابت مانده (مورد چین) و یا افزایش یافته (مورد مالزی) است. در همین حال این گونه حالات مرزی بین گروه دوم (کشورهای با رشد شتابان صنعتی) و گروه چهارم (کشورهای با رشد بطی و کند صنعتی) نیز وجود دارد. وضعیت ترکیه بیشتر مشابه کشورهای با رشد شتابان صنعتی است در حالی که وضعیت ایران عمدتاً در برگزیده ویژگی‌هایی است که برای گروه چهارم برشمرده شده است.

بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی کشورها از دیدگاه توسعه صنعتی، رشد بهره‌وری، تغییرات ساختاری و ترکیب تجارت کالایی، مبین تفاوتی نمایان بین وضعیت کشورهای آمریکای جنوبی و آسیای شرقی است به گونه‌ای که گروه نخست در مقایسه با گروه اخیر عملکرد به مراتب ضعیف‌تری داشته‌اند. اصلاحات سیاستی در کشورهای آمریکای لاتین که در دو دهه آخر قرن بیستم با محوریت آزادسازی، حرکت به سوی بازار و افزایش کارایی انجام شده است، اگرچه وضعیت آنها رانسبت به دهه ۱۹۸۰ میلادی بهبود بخشیده است، لیکن به طور عمقی نتوانسته است نارسایی‌های ساختاری اقتصاد آنها را کاملاً برطرف سازد و در نتیجه امکان شکل‌گیری فرآیند انباشت سریع سرمایه و تغییرات فناوری را متناسب با الزامات و چالش‌های درهم آمیزی در نظام تجارت جهانی با آهنگی شتابان مشابه شرق آسیا فراهم آورد. با این وجود در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین، گروه کشورهای بالای خط پاناما که از بازار گسترده ایالات متحده و کانادا وهم پیوندی با این بازار و موافقتنامه‌های تجارت آزاد منطقه‌ای بهره‌مند شده‌اند، نسبت به کشورهای زیر این خط (کشورهای بزرگ آمریکای لاتین) حداقل از دیدگاه تجاری از وضعیت بهتری برخوردارند (مثال: کشور مکزیک).

سیاست‌های صنعتی در شرق آسیا					
اقتصاد	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
چین		۱۹۶۵-۷۶	۱۹۷۷-۷۸	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
		توسعه صنایع دفاعی و صنایع سنگین	ورود ماشین آلات از خارج	آزادسازی در حوزه‌های جغرافیایی ساحلی (صنایع سبک)	توسعه زیر بناها و فناوری‌های برتر
هنگ کنگ	۱۹۵۰-	توسعه صادرات (آزادی اقتصادی همراه با گسترش آموزش، زیربناها و ایجاد نهادهای پشتیبان برای توسعه صادرات)			
				تقویت نهادهای پشتیبان صنعت و توسعه صنعتی	توسعه نهادهای پشتیبان معطوف به ارتقا فناوری
اندونزی		۱۹۶۷-۷۳	۱۹۷۴-۸۵	۱۹۸۶-	آزادسازی توسعه صادرات
		تثبیت اقتصادی شروع جایگزینی واردات	جایگزینی واردات		
ژاپن	۱۹۵۰-۵۸	۱۹۵۹-	۱۹۶۷-	اواسط دهه ۱۹۸۰	بین‌المللی شدن اقتصاد ژاپن
	جایگزینی واردات	توسعه صادرات	آزادسازی	مقررات زدایی	
کره جنوبی		۱۹۶۱-۷۲	۱۹۷۳-۷۹	۱۹۸۰-	دهه ۱۹۹۰
	توسعه صادرات	توسعه صادرات جایگزینی واردات (صنایع سنگین)	توسعه صادرات جایگزینی واردات (صنایع سنگین)	آزادسازی (رژیم‌های تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری)	مقررات زدایی از اواسط دهه ۱۹۸۰ (با جهت‌گیری گسترش نوآوری)
مالزی	۱۹۵۰-۷۰	۱۹۷۱-۸۵		۱۹۸۶-	آزادسازی
	جایگزینی واردات (مالایم)	تداوم جایگزینی واردات توسعه صادرات			
فیلیپین	۱۹۵۰-	تداوم جایگزینی واردات		دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
	جایگزینی واردات			آزادسازی (بی‌ثباتی سیاسی)	تداوم آزادسازی (بهبود شرایط ثبات سیاسی)
سنگاپور	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰		دهه ۱۹۹۰	
	جایگزینی واردات (پیش از استقلال - بخشی از مالایا)	توسعه صادرات		استقلال راهبردی (فناوری برتر و خدمات) منطقه‌گرایی	
تایوان	۱۹۵۳-۵۷	۱۹۵۸-۸۰		۱۹۸۶-	
	جایگزینی واردات	توسعه صادرات		آزادسازی	
تایلند		۱۹۶۱-۷۱	۱۹۷۱-۸۶	۱۹۸۶-	
		جایگزینی واردات	جایگزینی واردات (کالاها سرمایه‌ای، شروع ۱۹۸۱)	توسعه صادرات توسعه صنایع با فناوری برتر	

Source: Masuyama, Vander brink, and China. ۱۹۹۷. *Industrial Policies in East Asia*. Nomura Institute of Southeast Asian Studies, Tokyo Club Foundation for Global Studies: table ۱۰.۱.